نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۹۹، صفحات ۲۷۲ تا ۲۸۰

پژوهشی

تربیت معنوی کودکان از تولد تا دوازده سال

علی صادقی سرشت[1*]

چکیده

زمینه و هدف: تربیت معنوی فرزندان از سوی والدین مرهون آن است که داشته‌های فرزندان تحت هدایت داده‌های معنوی والدین به آن‌ها قرار گیرد تا مهم‌ترین «یافته» زندگی فرزندان یعنی سلامت معنوی در دنیا و در نتیجه سعادت اخروی برای فرزندان به ارمغان بیاید. در این مقاله، به مهم‌ترین داشته‌های فرزندان و از سویی مهم‌ترین داده‌های والدین در تحقق این هدف پرداخته می‌شود.

روش: برای استخراج داشته‌های فرزندان از پژوهش‌های موجود در روان‌شناسی رشد در مورد ظرفیت‌های چهارگانه رشدی فرزندان در سنین مختلف و نیز برای استخراج داده‌های معنوی والدین به فرزندان از روش تحلیل مفهومی - محتوایی استفاده شد که در پی توصیف عینی، واقعی، و منظم خصوصیات تربیت معنوی با استفاده از قرآن کریم و کتاب‌های روایی اسلامی است.

یافته‌ها: بررسی منابع روان‌شناسی رشد دینی نشان می‌دهد داشته‌های فرزندان در سنین مختلف رشد از تولد تا دوازده سالگی را می‌توان در چهار دسته ظرفیت‌های جسمی، شناختی، هیجانی، و اجتماعی جای داد؛ همچنین بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که داده‌های معنوی والدین به فرزندان را در مراحل رشدی مذکور می‌توان در قالب پنج راهبرد امنیت‌دهی، آموزش‌دهی، انضباط‌دهی، احترام‌گذاری، و التزام‌یابی جای داد.

نتیجه‌گیری: راهبردهای پنجگانه تربیت معنوی از سوی والدین که متناسب با داشته‌های جسمی، شناختی، هیجانی، و اجتماعی فرزندان در هر سن رشدی است می‌تواند تربیتی معنوی را برای فرزندان به ارمغان بیاورد.

کلید واژه‌ها: آموزش و پرورش، آموزش و پرورش در دوران اولیه کودکی، آموزش غیرحرفه‌ای، امنیت روانی در کودکان

مقدمه

جنبش معنویت‌گرایی یک جریان فکری و رو به رشد است که عرصه‌های مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار داده است (۱). از جمله این عرصه‌ها تربیت معنوی کودکان و نوجوانان از سوی والدین آن‌هاست. با این حال، دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضادی درباره تربیت معنوی کودکان و نوجوان در سراسر جهان مطرح می‌شود چرا که درباره ارزش‌ها و معناهای غایی توافقی وجود ندارد (۲). از این رو لازم است که در جامعه اسلامی، تربیت معنوی را در چارچوبی منطبق با ارزش‌ها و معانی غایی مورد قبول اسلام -به عنوان دین کامل الهی - مورد بحث و بررسی قرار دهد. در همین راستا تا کنون پژوهش‌های متعددی درباره تربیت معنوی در جامعه اسلامی ایران صورت گرفته است. با این حال مطالعه و بررسی مجموع این آثار نشان می‌دهد که در معمول این آثار به ظرفیت‌های کودک و نوجوان در هر مرحله از رشد و از سویی نیز به راهبردهای کلی تربیت معنوی و انطباق آن راهبردها بر هر یک از دوره‌های رشد اشاره‌ای نشده است. برای مثال، بیاتی، هاشمی مقدم، و فقیهی (۱۳۹۶) مدلی سه مؤلفه‌ای برای تربیت معنوی کودکان پیش‌دبستانی ارائه داده‌اند که مؤلفه‌های آن عبارتند از: احساس آگاهی، احساس ارزشی و احساس عرفانی و تحقق این سه مؤلفه را توسط مربیان دوره پیش از دبستان مورد تأکید قرار داده‌اند. با این حال، مخاطب اصلی این پژوهش مربیان پیش‌دبستانی و نه والدین کودکان بوده‌اند و بر همین اساس راهبردهای لازم برای تحقق این مؤلفه‌ها به صورت مشخص برای والدین مورد تبیین قرار نگرفته است؛ همچنین، کیانی و همکاران (۱۳۹۴) به تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی و نقد آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند و به سه رویکرد دینی، فارغ از دین و غیردینی اشاره داشته‌اند. با این حال به‌طور مشخص به وظایف والدین و راهبردهای تربیتی که توسط آن‌ها لازم است انجام شود نپرداخته‌اند. همچنین، احسانی و ساجدی (۱۳۹۲) در تبیین عوامل رفتاری تربیت معنوی فرزند در خانواده از دیدگاه اسلامی به عامل رفتار عبادی (اهتمام به عبادت، نماز، نماز جماعت، و روزه از سوی والدین در محیط خانه)، عامل اخلاق نیک (رعایت تقوی و پرهیزکاری و صداقت و

۱. * نویسنده مسئول: استادیار گروه اخلاق و روان‌شناسی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

راستی، و عامل نظم و سبک زندگی (تنظیم برنامه‌های تلویزیونی و دوری از محیط‌های آلوده) تأکید کرده‌اند. با این حال در پژوهش مذکور به سنین مختلف رشدی و ظرفیت‌های آن و بیان راهبردها مناسب با این دوره‌ها اشاره‌ای نشده است.

حال آنکه براساس منابع روان‌شناسی رشد، چهار ظرفیت رشدی وجود دارد که عبارتند از: ظرفیت‌های جسمی، شناختی، عاطفی، و اجتماعی. هر چه ظرفیت‌های رشدی فرزندان در دوره‌های سنی مختلف بهتر و کامل‌تر شکوفا شود، ویژگی‌های خوب انسانی، همچون امیدواری، استقلال، هدفمندی، اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری، کوشش، پشتکار، همدلی، همکاری، توانایی تمرکز و حل مسئله زودتر و کامل‌تر در آن‌ها شکوفا می‌شود و نه‌تنها آن‌ها را برای ورود به مدرسه و آموزش رسمی آماده‌تر می‌سازد، بلکه زمینه رشد معنوی آن‌ها را نیز فراهم‌تر می‌کند. از سویی، مهم‌ترین سهم در این شکوفا کردن، بر عهده والدین است که برای انجام آن در گام نخست لازم است با ظرفیت‌ها و آمادگی‌های مختلف فرزند خود آشنا شوند. به دنبال آشنا شدن با ظرفیت‌های رشدی فرزندان در سال‌های مختلف کودکی تا ابتدای نوجوانی (که مطمح نظر در پژوهش حاضر است)، آشنایی با راهبردهای مهم در ایجاد سلامت معنوی در فرزندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا آن ظرفیت‌ها را در مسیر الهی شدن و یافتن تربیت معنوی شکوفا سازد. بر این اساس، هدف مقاله حاضر تبیین راهبردهای اساسی تربیت معنوی فرزندان بر اساس منابع اسلامی است در قالب پاسخگویی به این مسئله که اساسا والدین چه راهبردهای تربیتی را لازم است با در نظر گرفتن ظرفیت‌های رشدی فرزندان‌شان، در مسیر تربیت معنوی آن‌ها دنبال کنند؟ در ادامه نخست ظرفیت‌های چهارگانه رشدی در مقاطع سه گانه رشد از تولد تا دوازده سالگی معرفی می‌شود و سپس راهبردهای تربیت معنوی در هر یک از این سه مقطع تبیین می‌شود.

این توضیح لازم است که که هر چه سن فرزندان ما کمتر باشد اختیار خود آن‌ها در تأمین سلامت معنوی‌شان کمتر و در مقابل وظایف ما پدران و مادران برای حفظ و بالا بردن سلامت معنوی آن‌ها بیشتر است؛ و هر چه سن فرزندان‌مان بیشتر و بیشتر شود، از آنجا که اختیار و اراده آن‌ها بیشتر می‌شود، وظیفه خودشان برای حفظ و بالا بردن سلامت معنوی بیشتر و وظایف ما به نسبت کمتر می‌شود هر چند هیچگاه بی‌وظیفه نمی‌شویم.

بیان ظرفیت‌ها در سنین مختلف

در ذیل به داشته‌های فرزندان تحت عنوان ظرفیت‌های چهارگانه آن‌ها در سه مرحله نخستین رشد کودکی اشاره می‌شود.

ظرفیت‌های رشدی از تولد تا دو سالگی

از جهت جسمی، کودکان با مجموعه‌ای از توانایی‌های حسی حرکتی به دنیا می‌آیند. حواس اولین راه شناخت محیط اطراف است؛ کودکان به‌ویژه در این دوره سنی، آنچه به‌صورت حسّی دریافت می‌کنند را بهتر درک می‌کنند و قبول می‌کنند؛ از جهت شناختی اولین شناختی که کودکان پیدا می‌کنند شناخت ناقصی است که از خودشان به‌دست می‌آورند. این شناخت خود، با شروع درک حسی از خود از طریق انگشت مکیدن و بازی با دست و پا بین یک تا چهار و نیم ماهگی شروع می‌شود. در ماه‌های بعدی این شناخت اندک از خود، با ایجاد هماهنگی بین گرفتن و دیدن و لمس کردن آرام آرام بیشتر می‌شود. از جهت هیجانی، از مهم‌ترین هیجانات این دوره می‌توان به هیجان ترس اشاره کرد. ترس از وارد شدن از محیط امن به محیط ناامن. در همین راستا، کودکان در شش تا هشت ماهگی، ترس از غریبه، اضطراب هنگام جدا شدن از مادر را تجربه می‌کنند (۳). در ادامه هیجانات دیگران را تا زیر یک سال بهتر از قبل تشخیص می‌دهند و تا دو سالگی به فهرست هیجان‌های آن‌ها (یعنی شادی، غم، تعجب، علاقه، تنفر، خشم و ترس) احساس شرم، خجالت، احساس گناه، و غرور اضافه می‌شود و توانایی خودکنترلی هیجانی آغاز می‌شود (۴). خودکنترلی هیجانی سبب یکی از پایه‌های مهم در دستیابی به سلامت معنوی است و هر چه در این زمینه به فرزند خود بیشتر کمک کنید، مسیر او را در راه رسیدن به سلامت معنوی هموارتر ساخته‌اید. از سویی، نوزاد وقتی پا به جهان می‌گذارد، موجودی اجتماعی است (۵). گریه و خنده، برگرداندن سر به سمت صدا، جلب کردن توجه دیگران با صدا درآوردن، تقلید کردن، انجام بازی مشارکتی، انجام دستورات ساده پدر و مادر، تلاش برای حرف زدن، عصبانی شدن، رقابت کردن، همدلی با نوزادی که گریه می‌کند و ... همه و همه اتفاقاتی است که رابطه او با اطرافیان را برقرار می‌سازد (۶، ۷).

ظرفیت‌های رشدی از دو تا هفت سالگی

در این دوره، برخلاف رشد بدنی که نسبت به تولد تا دو سالگی کند شده است، رشد شناختی اما تندتر شده؛ او بهتر حرف می‌زند، بازی و خیال‌پردازی‌هایش متنوع شده، قدرت تقلیدش بالا رفته (۸) درکش از علت بهتر شده و هدفمندتر بازی می‌کند. او آنچه را می‌بیند، می‌شنود، لمس می‌کند، می‌بوید، و می‌چشد را درک می‌کند و استدلال‌های انتزاعی پیچیده و حتی استدلال‌های سطح بالای منطقی را نمی‌تواند درک کند. از جهت هیجانی، کودک در این دوره سنی درک می‌کند دوستش خوشحال است زیرا خیلی بلند تاب می‌خورد؛ یا او ناراحت است چون زمین خورده است؛ تشخیص درست شادی، غم،

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

خشم، ترس، خجالت، و سایر هیجان‌ها در دوستش، یعنی او این هیجان‌ها را اول در خود حس کرده است؛ رشد هیجانی کودک در این سنین، او را نسبت به قبل، برای «کنترل کردن خود» و «بهبود روابطش با دیگران» آماده می‌کند؛ این دو حالت، از مقدمه‌های مهم سلامت معنوی هستند. از جهت اجتماعی، بازی، کلید اجتماعی شدن کودک است؛ بازی کردن زمینه‌ساز بروز دوستی و دشمنی‌ها، همکاری و رقابت‌ها، شادی و خشم‌ها، و سایر مسائل عاطفی-ارتباطی را فراهم می‌کند. این موارد می‌تواند فرصت بسیار مناسبی را برای رشد هر چه بهتر ظرفیت‌های اجتماعی فرزندان فراهم کند.

ظرفیت‌های رشدی از هفت تا دوازده سالگی

از جهت جسمی، کودکان در این سنین برای تأمین انرژی برای یادگیری موفقیت‌آمیز در مدرسه و افزایش فعالیت جسمانی به غذای متعادل و فراوان نیاز دارند. غذای سالم، رشد جسمی، نمرات هوش، هماهنگی حرکتی، و تمرکز آن‌ها در این سنین را بهبود می‌بخشد. از جهت شناختی، در این دورهٔ سنی تفکر کودکان منطقی‌تر، طبقه‌بندی اشیاء و موقعیت‌ها برحسب خصوصیات مشترک‌شان دقیق‌تر، و قدرت استدلال آن‌ها بهتر شده (۸) و در مقایسه کردن و فرق‌گذاری بین مسائل تواناتر شده‌اند (۹)؛ همچنین، تمرکزشان بیشتر شده و مغزشان مدت زمان کمتری برای پردازش اطلاعات نیاز دارد (۴) و رفتارهای آن‌ها انتخاب‌گرانه‌تر شده است (۸). از جهت هیجانی، هیجان‌های خودآگاه مثل احساس گناه، شرم، خجالت، حسادت و غرور، که در صدمه زدن یا تقویت خودپنداره تأثیر بسزایی دارند در این سن عمیق‌تر حس می‌شوند از این رو موفقیت تازه‌ای موجب غرور شده و یا تخلف، احساس گناه را برانگیخته می‌کند، بدون آنکه نیازی به حضور بزرگ‌ترها باشد؛ در ضمن، کودکان مانند گذشته، برای هر اتفاق بدی احساس گناه نمی‌کنند، بلکه برای خلاف‌کاری عمدی، مانند بی‌توجهی به مسئولیت‌ها، تقلب کردن، یا دروغ گفتن احساس گناه می‌کنند (۸). از جهت اجتماعی، در این دوره کودکان بیشتر تحت تأثیر همسالان و همکلاسی‌ها بوده و برای وقت گذاشتن و بازی با آن‌ها اهمیت خاصی قائل هستند (۱۰). معاشرت با همسالان به کودکان برای بهتر شناختن توانایی‌ها، مهارت‌ها و نقطه‌ضعف‌های خود و نیز پی بردن به تفاوت‌های فردی با دیگران کمک می‌کند (۱۱). آن‌ها در این مرحله به‌جای لذت مادی، لذت روانی (لذت از رضایت دیگران) را بیشتر دوست دارند (۱۲) و از بین آن‌ها کسانی که از لحاظ هیجانی خود را بهتر کنترل می‌کنند، خُلق، همدلی، و نوع‌دوستی خوبی نشان می‌دهند (۴). آن‌ها از قبل می‌توانند بهتر به مقررات احترام بگذارند و نیز متوجه شوند که استثناهای قانونی نیز برای مقررات وجود دارند.

بیان راهبردهای تربیت معنوی

بررسی مفهومی و محتوایی منابع اسلامی نمایان ساخت که پنج راهبرد امنیت‌دهی، آموزش‌دهی، انضباط‌دهی، احترام‌گذاری، و التزام‌یابی به عنوان داده‌های والدینی به فرزندان در مسیر تربیت معنوی آن‌ها نقش محوری دارند که در ذیل به معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود.

راهبردهای پنجگانه تربیت معنوی از تولد تا دو سالگی

یکی از شرط‌های مهم و لازم برای سلامت معنوی فرزندان در این سن، فراهم آوردن «محیطی امن و آرام‌بخش» برای رشد معنوی آن‌هاست که تحت عنوان امنیت‌دهی قرار می‌گیرد. برآورده شدن این نیاز مهم، دنیا را در چشم کودک زیر دو سال، محیطی قابل پیش‌بینی (۱۳) و امن می‌کند و دید او را به دنیا و روابط با دیگران خوش‌بین می‌کند و شرط هر نوع پیشرفت بعدی (۹) و لازمه رسیدن کودک به سلامت معنوی است. در این میان، مادران نخستین و مهم‌ترین منبع برای دادن احساس امنیت به فرزندان خود هستند. در این میان، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین در آغاز زندگی فرزندان تأمین احساس امنیت و آرامش آن‌ها از همان شروع تولد است که از طریق شکل‌گیری محبت و دلبستگی بین والد و فرزند ایجاد می‌شود. در رابطه با دلبستگی، کرک‌پاتریک[1] و شاور[2] (۱۹۹۲) از روانشناسان مطرح در حوزه رشد معنوی بیان می‌کنند که در بیشتر ادیان، «خدا» شکل ایده‌ال دلبستگی است و خداوند شبیه والدین کامل است یعنی خداوند موجودی است شبیه والدین که ایمنی را فراهم می‌کند و فرد را از خطرات حفظ می‌کند.

آموزش فرزند زیر دو سال در جهت رشد معنوی او، یکی دیگر از شرط‌های مهم و لازم برای تربیت معنوی فرزندان است. فرموده رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند «ز گهواره تا گور دانش بجوی» (۱۴) به اهمیت اصل آموزش از همان سنین زیر دو سال اشاره دارد؛ البته در این سنین آموختن توسط خود کودک اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه این والدین هستند که به‌عنوان نخستین آموزگاران او نقش مهمی دارند. آن‌ها با انتخاب محتوای خوب و شیوه ارائه درست به کودک زیر دو سال خود، می‌توانند سنگ بنای آموزش را از همین سنین اولیه بگذارند. والدین از طریق راهبردهای تداعی (همراه کردن چند باره دو رویداد با هم تا بعد از آن هر کدام از آن دو رویداد دیگری را به ذهن کودک آورد)، تکرار (زمینه‌سازی تکرار برخی رفتارها برای کودک، تا آن کار تبدیل به عادت طبیعی کودک شود)، تقلید (آموزش از طریق دیدن انجام یک رفتار از سوی الگوهای مطلوب پیرامون)، و پاداش و تنبیه (منظور تأیید و عدم تأیید کودک در

1. Kirkpatrick, L. A.
2. Shaver, P. A.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

این سن که بهترین نوع پاداش و تنبیه برای جا افتادن یک عمل در کودک است) رفتارهای دینی همچون نماز، زیارت، و دعا کردن را در معرض دید و آموزش فرزند خود قرار می‌دهند و به نوعی بسترسازی محیطی آموزش برای سنین بالاتر را می‌کنند.

انضباط‌دهی به فرزند زیر دو سال یکی دیگر از شرط‌های مهم و لازم برای سلامت معنوی فرزندان در جهت رشد معنوی است. انضباط‌دهی یعنی تبدیل ناظر بیرونی (نظارت والدین بر کودک) به ناظر درونی (نظارت کودک بر خودش)؛ شروع زمینه‌های انضباط‌دهی از همین سنین زیر دو سال است یعنی درست از زمانی که خواستن و نخواستن در کودک شکل می‌گیرد. نتیجه انضباط‌پذیری، توانمند شدن کودکان در کنترل رفتارهای خودشان یعنی «خودکنترلی» است. کودکان زمانی ظرفیت آن را پیدا می‌کنند که رفتار خود را کنترل کنند که نخست درک کنند موجودی مجزا و مستقل از والدین هستند، سپس درک کنند قادرند اعمال خود را هدایت و کنترل کنند، و سپس بتوانند دستورات والدین خود را بیاد بیاورند و در مورد رفتار خودشان به‌کار بندند (۴). آن‌ها بین ۱۲ تا ۱۸ ماهگی تقریباً به این توانایی رسیده‌اند و از این رو برای اولین‌بار قادر به اطاعت می‌شوند یعنی از امیال و انتظارات شما آگاه می‌شوند و می‌توانند از درخواست‌ها و دستورات ساده شما پیروی کنند و از این کار خود احساس خوبی به‌دست آورند و در مقابل اگر مخالفت کنند احساس بدی پیدا کنند. این اطاعت‌پذیری و احساس اولیه پشیمانی اتفاقی بسیار مبارک است! چرا که مقدمه تولد وجدان در کودک است که بعدها با تقویتش منجر به اطاعت از پروردگار و پشیمانی از تخلف در برابر پروردگار می‌شود و از این رو پرورش این حالت در فرزندتان یک پیش‌نیاز مهم برای سلامت معنوی است.

احترام‌گذاری، دیگر شرط مهم و لازم برای تربیت معنوی فرزندان در این سن است؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «ظرف دین اخلاق است» (۱۵). لازمهٔ سلامت معنوی کودک، رعایت اخلاق از سوی والدین است؛ از سویی یکی از مهم‌ترین پایه‌های اخلاق «احترام» است (۴)؛ احترام یعنی رعایت حریم و حدود خدا، پیامبر، امام، پدر و مادر، خواهر و برادر، دوست، همکار، همسر، فرزندان و ... . نهادینه کردن احترام از همان سنین زیر دو سال، یک مقدمهٔ بسیار مهم و تأثیرگذار برای سلامت معنوی فرزندان است. برای آموزش احترام به دیگران، نخست باید خود والدین احترام گذاشتن به کودک را مشق زندگی کنند. در همین زمینه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «به فرزندان خود احترام بگذارید و با آداب و روش پسندیده با آن‌ها رفتار کنید» (۱۶). توجه کردن از سن خیلی پایین به کودک یکی از روش‌های احترام گذاشتن به اوست و به او احساس شخصیت می‌دهد.

و سرانجام، التزام‌یابی دیگر شرط بسیار مهم و لازم برای تربیت معنوی فرزندان است. التزام‌یابی یعنی التزام خود والدین به باورها، احساسات و رفتارهای دینی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند هر چه هر دو والد مذهبی‌تر باشند، تصور از خدا مثبت‌تر خواهد بود و هر چه دو والد غیرمذهبی‌تر باشند تصور از خدا منفی‌تر (خدای دور، غیرقابل دسترسی، خدایی که بنده‌هایش را به حال خودشان رها کرده است) می‌باشد (۱۷). بنابراین هر چه والدین، که در سال‌های اول زندگی کودک مهم‌ترین افراد زندگی او محسوب می‌شوند، رابطه غنی‌تر و قوی‌تری با خداوند داشته باشند، سلامت معنوی فرزند آن‌ها بهتر انجام خواهد شد.

راهبردهای پنجگانه تربیت معنوی از دو تا هفت سالگی

تا فرزند دو تا هفت ساله در کنار والدین خود احساس آرامش و امنیت پیدا نکند، آمادگی لازم برای قبول تربیت معنوی از سوی والدین را نخواهد یافت. بر این اساس، جا دارد والدین به این نکته توجه کنند که آن‌ها در حکم پیامبرند! نماینده خدا هستند در خانه‌شان! فرزند آن‌ها از طریق آن‌ها و رفتارهای‌شان، خدا را لمس می‌کند، درست مثل مردمی که با دیدن پیامبر خدا و رفتارهایش، خدا را لمس می‌کردند. پیامبر (ص) با مردم بسیار مهربان بود؛ کودکان را روی شانه خود سوار می‌کرد، زودتر از همه به بزرگ و کوچک سلام می‌داد، دلسوز بود؛ به عهدش وفا می‌کرد، برای کسی بدخواهی نمی‌کرد، از روی خشم شخصی تصمیم نمی‌گرفت، پیامبر(ص) حرف کسی را قطع نمی‌کرد، خوب به حرف دیگران گوش می‌داد و واقعاً از توان خود برای رفع مشکلات آن‌ها استفاده می‌کرد. مردم کنار پیامبر (ص) احساس آرامش و امنیت روحی می‌کردند. فرزندان هم کنار پیامبرِ (ص) خانه باید احساس آرامش و امنیت روحی داشته باشند. اهمیت امنیت‌دهی از آن روست که خدا را باید اول با دل به فرزندان شناساند بعد با عقل؛ دلی که عاشق پدر و مادرش شده باشد، بهتر عاشق خداوند می‌شود؛ دلی که در کنار پدر و مادرش احساس امنیت و آرامش کرده، بهتر در دامن خدا احساس امنیت و آرامش خواهد کرد؛ انتقال امنیت و آرامش معنوی به فرزندان نیازمند اختصاص وقت روزانه هر یک از والدین با فرزندان، فراهم کردن تجربه‌های معنوی حضور خوشایند فرزندان در اماکن مذهبی، و تشویق کودکان به دلیل انجام عبادات است.

از سویی، جهت تحقق راهبرد آموزش‌دهی در این سنین به ویژه از چهار سالگی تا هفت سالگی، توجه به این نکته ضروری است که «خدا» اساسی‌ترین محوری است که باید به آموزش دادن آن به فرزند در این سنین توجه کرد، محوری که همسو با دریافت‌های درونیش است و می‌تواند او را به‌سوی سلامت معنوی ماندگار رهنمون شود؛ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام خداشناسی را اولین و اساسی‌ترین اقدام و پایه دیندار شدن می‌دانند (نهج‌البلاغه، خطبه اول). این آموزش می‌تواند از طریق ایجاد سوال و ارائه پاسخ‌های مناسب درباره خداوند در این سنین برای کودکان اتفاق بیفتد. همچنین با توجه به ظرفیت‌های شناختی کودک در این دوره سنی، از آنچه کودک می‌تواند حس کند می‌توان برای خداشناسی بهره برد. برای مثال والدین به او بگویند «دخترم/پسرم! بعضی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

چیزها را با قلبمان می‌توانیم ببینیم و حس کنیم، مثل مهربانی! اگه کارهای خوب زیاد انجام دهیم و جز مهربانی در دلمان راه ندهیم، قلبمان زیبا و نورانی شده و هر چه قلبمان زیباتر و نورانی‌تر شود، بهتر خواهیم توانست خدای مهربان را حس کنیم چون خدا نهایت و کمال همه مهربانی‌ها و زیبایی‌هاست».

برای تحقق راهبرد انضباط در این دوره سنی یعنی ساختن برج دیده‌بانی و فرماندهی در درون کودک؛ یعنی والدین کاری کنند که چه کنار کودک باشند و چه غایب باشند، کودک با دیده‌بان درون، خوب و بد را تشخیص دهد و با فرمانده درون، تصمیم به انجام خوبی و ترک بدی بگیرد؛ چیزی که می‌شود وجدان نامیدش؛ شکل‌گیری این مفهوم در درون کودک یکی از لوازم مهم سلامت معنوی است. برای تحقق این هدف آموزش قرآن از این سن به کودک می‌تواند راهگشا باشد چرا که قرآن، فرقان است یعنی خوب و بد را نشان ما می‌دهد و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بهترین عمل‌کنندهٔ خوبی‌ها و ترک‌کننده بدی‌ها هستند. توصیه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به والدین برای تربیت فرزندان در راه محبت پیدا کردن و الگوگیری از قرآن، پیامبر و اهل بیت از همین روست (۱۸)؛ از سویی لازم است فرزندان خود را قبل از بلوغ بسیار تدریجی و خوشایند برای کودک با برخی از مهمترین تکالیف دینی آشنا و او را به آن‌ها عادت دهیم. برای مثال از همان سنین سه چهار سالگی سنگ بنای عادت به نماز را می‌توان این‌گونه در او پایه‌ریزی کرد: از سه سالگی شروع کنید؛ با شادی در وقت هر نماز اگر کودک بیدار است، بخواهید بعد از شما بگوید «لا اله الا الله»، وقتی گفت او را بغل، نوازش، بوس، و تحسین کلامی کنید؛ از حدود سه و نیم سالگی، با شادی در هر وقت نماز اگر کودک بیدار است، بگویید بعد از شما تکرار کند «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، و بعد از گفتنش او را بغل، نوازش، بوس، و تحسین کلامی کنید؛ از چهار سالگی با شادی در وقت هر نماز اگر کودک بیدار است، بگویید بعد از شما تکرار کند «لا اله الا الله»، «محمد رسول‌الله»، «صلی‌الله علی محمد و آله»؛ از پنج سالگی او را با قبله آشنا کنید و بخواهید در وقت‌های نماز فقط یک سجده کند و در آن بعد از شما تکرار کند «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، «صلی الله علی محمد و آله»، و بعد از گفتنش او را بغل، نوازش، بوس، و تحسین کلامی کنید. وقت‌های نمازی که بیدار است، از نیمه اول شش سالگی درخواست یک رکوع و یک سجده خالی کنید و همان اذکار قبل و کارهای قبل را تکرار کنید؛ از نیمه دوم شش سالگی درخواست صرفاً یک رکعت نماز کنید و افزون بر اذکار قبل هر چه توانست در هنگام ایستادن از سوره قل هو الله بخواند؛ از هفت سالگی درخواست دو رکعت نماز، و از هشت سالگی درخواست نماز کامل، و در ادامه درخواست نماز همراه با وضو کنید (۱۹)[1] و او را بر انجام این کارهای تشویق کنید؛ روایت است زمانی که به فرزند خود وضو و نماز را آموختید، خداوند شما، همسرتان و فرزندتان را می‌آمرزد (۱۸).

راهبرد احترام‌گذاری به کودک از سوی والدین از اینرو اهمیت دارد که در واقع کودکی عاشقانه به خدا احترام خواهد گذاشت که احترام را حس کرده باشد؛ کودکی احترام را حس خواهد کرد که والدینش صمیمانه حتی زمان‌هایی که از او عصبانی یا ناراحت هستند به او احترام گذاشته باشند. احترام یعنی ما هم فرزندمان را دوست داریم و هم می‌ترسیم نکند رفتاری کنیم که او ناراحت شود. اینکه کودک خود را در این سنین خوب، محترم، شایسته و توانمند بداند یا آنکه بد، حقیر، بی‌کفایت و ضعیف بداند بر اساس نوع بازخوردهایی است که والدین به هنگام انجام کارهای مختلف فرزند خود به او می‌دهند. از همین دوره سنی کودک واقعی بودن عشق و علاقه والدین یا نمایشی بودن آن را تشخیص می‌دهد و به آسانی گول نمی‌خورد (۲۰) از این رو والدین برای تحقق راهبرد احترام‌گذاری باید مراقب باشند پیام دوگانه به فرزند خود ندهند به این صورت که در زبان اظهار محبت کنند ولی در عمل به ویژه وقت بی‌حوصلگی و یا عصبانیت مثل یک خطاکار ذاتی با او برخورد کنند!

پنجمین راهبرد در تربیت معنوی التزام‌یابی خود والدین بود؛ با توجه به رشد شناختی، هیجانی، و اجتماعی بیشتر فرزندان در این سن نسبت به دوره سنی قبل، فهم فرزندان و تأثیرپذیری آن‌ها از والدین در این سن به مراتب بالاتر رفته است؛ بر این اساس، واژه‌هایی که والدین در گفتار خود به کار می‌گیرند، فیلم‌ها یا دیدنی‌هایی که در خانه و بیرون خانه به آن چشم می‌دوزند، صداهایی را که با علاقه به آن گوش می‌دهند، آنچه در فکر خود می‌گذرانند و دغدغه آن را دارند، آنچه را دوست دارند و آنچه از آن بدشان می‌آید، از جمله موارد بسیار مهمی هستند که بر کودک اثرگذاشته و در واقع، چگونگی آن‌هاست که به والدین نشان خواهد داد فرزندان آن‌ها چگونه خواهند شد! این به آن معناست که افکار، احساسات و رفتار والدین «هوا»یی را که روح کودک در آن تنفس خواهد کرد مشخص می‌ْسازد، تنفس در هوای آلوده، روح و روانی آلوده و تنفس در هوای پاک، روح و روانی پاک به فرزندان خواهد داد.

راهبردهای پنجگانه تربیت معنوی از هفت تا دوازده سالگی

اهمیت امنیت‌بخشی در سنین مختلف به‌ویژه در این دوره سنی متناسب با ظرفیت‌های جسمی، شناختی، هیجانی، و اجتماعی رشد یافته کودکان از آن روست که امنیت‌بخشی والدین به کودک مقدمه بیدار کردن تمایل و محبت قلبی او به خداست؛ بر این اساس، همان‌گونه که در دوره سنی قبل اشاره شد، خدا را باید اول با دل به فرزند خود شناساند بعد با عقل؛ بر این اساس، با توجه به افزایش رشد ظرفیت‌های چهارگانه کودک،

۱. این سیر از روایتی به این آدرس استخراج شده است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

لازم است برای انتقال حس امنیت و آرامش به فرزند خود اختصاص وقت روزانه برای هر فرزند ادامه یابد؛ هدف اصلی از این زمان اختصاصی که معمولا به بازی با کودک می‌گذرد، نفوذ در قلب فرزندان است؛ اختصاص زمان بازی روزانه برای کودک به او این حس را می‌دهد که برای والدین فرد کاملاً مهمی است. از سویی، همچون سنین دو تا هفت سالگی، در این دورهٔ سنی نیز باید کودک را با اماکن مقدس و مجالس مذهبی مأنوس کرد؛ حس آرامش و امنیت در این اماکن تداعی‌کنندهٔ حس خوب با خدا بودن را در کودکان تقویت خواهد نمود.

برای تحقق راهبرد آموزش‌دهی در این دوره سنی، با توجه به توانمندی خواندن، نوشتن، و محاسبه که در این سن بر پایه ارتقای ظرفیت‌های چهارگانه رشدی محقق شده است، و با توجه به آموزه‌های دینی، این دوره، دوره‌ای است که نیازمند دنبال کردن آموزش حلال و حرام (۲۱) و ادب‌آموزی (۱۶) به صورت جدی‌تر به فرزندان است؛ دوره‌ای است که کودکان گوش به فرمان‌تر (۲۲) از قبل هستند و جدی‌تر می‌توان برخی آموزه‌های دینی را به آن‌ها آموزش داد؛ والدین در دوره سنی قبل روی جا افتادن مفهوم «خدا دوست داشتنی است» و «خدا مهم است» در جان فرزند خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند و در این دوره سنی به اضافه آن لازم است روی مفهوم «خدا مهم‌ترین است» و «خدا دوست داشتنی‌ترین است» سرمایه‌گذاری کنند؛ اگر فرزندی خدا را مهم‌ترین و دوست داشتنی‌ترین فرد زندگی خود حس کند، با پدر و مادر، همکلاسی‌ها و معلمان خود به‌گونه‌ای رفتار خواهد کرد که خدا دوست دارد، گونه‌ای قضاوت خواهد کرد که خدا دوست دارد، و به‌گونه‌ای در رابطه‌ها و زندگی هدف‌گذاری خواهد کرد و تصمیم‌های ریز و درشت را خواهد گرفت که خدا دوست دارد؛ البته این مسیر تا رسیدن به پختگی راه تقریباً طولانی دارد که شروع آن از همین دورهٔ سنی است. در این سن لازم است برای اعمال عبادی همچون نماز (که فرزندان در دوره قبل از روی عادت انجام می‌دادند) معنادهی و استدلال‌آوری انجام پذیرد؛ یعنی به فرزند معنای نماز در زندگی و فلسفه نماز آموزش داده شود. تقویت «معنادهی» و «استدلال‌های عقلی» در فرزندان ما «شناخت» بالاتر تولید می‌کند؛ این شناخت کمک می‌کند که عادت‌های درست پشت سر عادت‌های درست قبلی جوانه بزند و جنس این اعمال و عادت‌ها خیلی بامعناتر، مستدل‌تر، و عمیق‌تر از اعمال و عادات قبلی باشد. اهمیت ترکیب «عمل» و «شناخت» از اینروست که شناخت با عمل شکل می‌گیرد و اعمال با شناخت اوج می‌گیرند و بر همین اساس می‌توان گفت که در اسلام، یک رابطه دوسویه و دیالکتیکی میان شناخت و عمل یا بینش و کنش وجود دارد؛ امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «خداوند عملی را که بدون شناخت انجام گیرد، نمی‌پذیرد و شناخت نیز بدون عمل به‌دست نمی‌آید» (۲۱). این روایت به‌زیبایی تمام ترکیب بین عادت و شناخت را نشان می‌دهد. همچنین لازم است در این سنین رابطه کودک با قرآن عمیق‌تر شود؛ در بیان اهمیت انس‌گیری با قرآن از سویی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام آموزش قرآن را به‌عنوان حق فرزندان معرفی کرده و والدین را در صورت کوتاهی نسبت به آن، مسئول می‌دانند (۲۱، ۲۳) و هفت سال دوم را هفت سال قرآن آموختن به کودک معرفی کرده‌اند (۲۱، ۲۴)؛ از سویی نیز، حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند «هر کسی به فرزندش قرآن تعلیم دهد گویا ده هزار حج و ده هزار عمره به‌جا آورده، و ده هزار بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است» (۲۵). بر همین اساس است که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام تربیت فرزند خود را با بهترین پیام جهان یعنی قرآن خدا شروع فرموده‌اند: «تربیت را با تعلیم کتاب خدا، تفسیر آیات، تعلیم شریعت، آموزش احکام و حلال و حرام شروع کردم». از سویی در این سن لازم است آموزه‌های مناسب به فرزندان برای دوستی با امامان آموزش داده شود. امام رضا علیه‌السلام: «امام همدمِ رفیق، پدر مهربان، برادر برابر، مادر دلسوز به کودک، پناه بندگان خدا در گرفتاری سخت است» (۲۱). وقتی امامان که بهترین پاک‌های روی زمین هستند، این‌گونه ما را مفتخر به دوستی خود می‌کنند، حیف است این فرصت شیرین دوستی را از دست بدهیم؛ آری، امام، تنها امام نیست، بلکه یک رفیق دلسوز است. امام حلقه رسیدن از زمین به خداست. راهنمای مسیر ما برای رسیدن به خوبی‌ها و خدای خوبی‌ها؛ همچنین آموزش مفهوم معاد در این سن به فرزندان می‌تواند عمق تربیت معنوی را در فرزندان افزایش دهد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند : «دنیا مزرعه آخرت است» (۲۶). ساختن دنیا بر اساس آنچه خدا می‌خواهد ساختن آخرت را به دنبال دارد و ساختن دنیا بر اساس آنچه دل‌مان بخواهد هر چند مخالفت خدا باشد، خراب کردن آخرت را به دنبال دارد.

نشانه تحقق راهبرد انضباط در این دوره سنی این است که کودک بتواند در موقعیت‌های مختلف (مثل خانه، زمین بازی، و کلاس درس، حیاط مدرسه)، و در حالت‌های مختلف (برای مثال، وقتی وسوسه برای انجام کار نادرستی شده، وقتی عصبانی شده، وقتی کسی هلش داده، وقتی بدون اجازه برادرش به وسایلش دست زده) واکنش خوب و بد را درست تشخیص دهد، درست تصمیم بگیرد و موفق عمل کند، که این مسئله به آن معناست که کودک انضباط درونی پیدا کرده است؛ در دوره قبل منبع انضباط بیشتر بیرونی بود یعنی پدر و مادر، ولی در این دوره لازم است نقش والدین کمتر شود و انضباط بیشتر درونی شود. کودک باید برج دیده‌بانی و اتاق فرماندهی را از بیرون به درون خود ببرد تا حتی اگر والدین نبودند، معلم نبود، زورش بیشتر بود و یا امکان کاری نادرست برای او فراهم بود باز انضباط داشته باشد و آن کار را انجام ندهد. یکی از بهترین راه‌های انضباط‌دهی رفتاری در این سن به فرزندان، بیان واضح انتظارات خود به کودک در فضایی محترمانه و صمیمی در قالب وضع قوانین پیشگیرانه است؛ این انتظارات و قوانینی که به‌دنبال آن وضع می‌شود به‌تدریج در فرزندان درونی و درونی‌تر شده، سبب تقویت وجدان و خودمهارگری در آن‌ها می‌شود.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

این توضیح لازم است در این دوره سنی، علاقه به همسالان بالا می‌رود و از این رو دوستی‌ها، اثرپذیری از دوستان، رفت و آمد با دوستان بیش از دوره قبل، پر رنگ می‌شود؛ در این دوره حتی گاه کودکان بیشتر از هم اثر می‌پذیرند تا والدین خود. در نتیجه، دوستان و همسالان در انتقال معیارهای خوبی‌و بدی به فرزند ما می‌توانند نقش بسزایی داشته باشند.

بر این اساس لازم است والدین فرزند خود را برای یافتن دوستان خوب، معیارهای دوست خوب و بد، آثار دوستی‌های خوب و بد، شیوه‌های شروع دوستی، نگه داشتن دوستان خوب و کنار گذاشتن دوستان بد، شیوه‌های درست و بد اثبات دوستی، قوانین عمیق کردن دوستی‌ها، شیوه برخورد با اشتباهات دوستان، و مواردی از این قبیل یاری کنند.

راهبرد چهارم در تربیت معنوی فرزندان احترام‌گذاری به آن‌هاست. احترام گذاشتن به فرزند، نشان می‌دهد که والدین برای او ارزش قائل هستند و این مسئله زمینه لازم را فراهم می‌آورد تا فرزند هم برای خود ارزش قائل شود و هم برای والدین! کودکانی که برای خود ارزش قائل نشوند، در اعماق وجودشان احساس می‌کنند تهی هستند و با والدین همان رفتاری را خواهند کرد که درباره خودشان احساس می‌کنند! وقتی به آن‌ها احترام گذاشته نشود معمولا آن‌ها نمی‌توانند به خود احترام بگذارند و وقتی نتوانند به خود احترام بگذارند چگونه خواهند توانست به والدین و قوانین آن‌ها احترام بگذارند و اینجاست که هم فرصت پذیرش تربیت معنوی از پدر و مادر و هم فرصت احترام گذاشتن به والدین و در نتیجه رشد معنوی بهتر، از آن‌ها گرفته می‌شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «فرزندان خویش را احترام و تکریم کرده و آن‌ها را خوب تربیت کنید تا مورد مغفرت و بخشش واقع شوید»(۱۶، ۲۴). تربیت بدون احترام و ارزش قائل نشدن برای فرزند، عزت نفس او را از بین می‌برد؛ فرزندی که از درون احساس تهی بودن کند به احتمال بیشتری ستمگری (۱۶، ۲۴)، نفاق و دو رویی (۲۷) و گناه (۲۵) مرتکب خواهد شد! چرا که هم با خود و هم با دیگران با بی‌احترامی رفتار خواهد کرد!

آخرین راهبرد التزام‌یابی است. امام صادق علیه‌السلام توصیه می‌فرمایند: «به غیر از زبان (یعنی با کردار و رفتار) دیگران را به خوبی‌ها دعوت کنید» (۱۶، ۲۱). در تربیت معنوی فرزند، هیچ‌چیز خطرناک‌تر از یک نصیحت خوب به همراه الگویی بد نیست. همان اندازه که والدین به دنبال آن هستند که فرش و پرده، کفش و لباس، کت و شلوار، سرویس غذاخوری و مواردی از این دست در زندگی آن‌ها به هم بیایند، باید دقت کنند که حرف‌ها و نصیحت‌های آن‌ها به فرزندشان با رفتاری که از خود نشان می‌دهند به هم بیایند! چرا که صدای رفتار بلندتر از کلمات است و اگر تظاهر کنند که تربیت می‌کنند فرزندشان هم تظاهر خواهد کرد که تربیت شده است! پس مهم‌ترین وظیفه در تربیت فرزندان، تربیت خود است؛ اشتباهات در تربیت خود، در اشتباهات در تربیت فرزند خود را نشان می‌دهند! به ویژه در دوره هفت تا دوازده سالگی که کودکان رشد بیشتری در ظرفیت‌های رشدی خود پیدا کرده‌اند و درک دقیق‌تری از تعارضات گفتاری و رفتاری والدین خود خواهند داشت. لازم است خود والدین اهداف معنوی خود در زندگی فردی را هر چند وقت یکبار در ذهن‌شان مرور کنند. اینکه از کجا آمده‌ایم؟ کجا هستیم؟ کجا می‌خواهیم برویم؟ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام برای کسانی که به پاسخ این سه پرسش فکر می‌کنند از خداوند رحمت درخواست کرده! (۲۸-۳۰) پاسخ این سه سؤال، به فرد نشان می‌دهد: خدا از ما چه می‌خواهد؛ ما از زندگی چه باید بخواهیم؛ و چگونه باید به آنچه می‌خواهیم برسیم. این که والدین برای چه ارزش قائل شوند، چگونه با دیگران رابطه برقرار کنند، در زندگی مالی خود چگونه عمل کنند، با فرزندان خود چه برخوردی داشته باشند، همه از زیر شاخه‌های پاسخ‌هایی است که هر پدر و یا مادری به آن سه سؤال می‌دهد.

نتیجه

اگر معیارگزینی والدین (به عنوان اولین و مهم‌ترین افراد مؤثر در تربیت معنوی فرزندشان به ویژه در سال‌های ابتدایی کودکی)، توحیدی شد و اگر بر اساس همان معیارهای توحیدی انتخاب شده، از ظرفیت‌های رشدی فرزندان خود در مسیر توانمندسازی معنوی‌شان بهره گرفتند، تربیت معنوی محقق خواهد شد. می‌توان گفت والدین در تحقق دو تولد در فرزندان خود نقش‌آفرینند: تولد دنیایی و تولد آخرتی. تولد دنیایی همان متولد ساختن جسم فرزندان به اذن خداوند در این دنیاست و تولد آخرتی متولد و شکوفا ساختن روح معنویت الهی در جان فرزندان‌شان است. بر همین اساس، مسئولیت والدین و به ویژه پدر برای احیای واقعی فرزندان‌شان مورد تأکید قرآن است (تحریم: ۶) چرا که با متولد کردن معنویت در جان فرزندان، گوش و چشم فرزندان باز می‌شود و باز شدن گوش و چشم مهم‌ترین مانع انحراف و شقاوت دنیایی و آخرتی آن‌ها می‌شود (ملک: ۱۰). پژوهش حاضر به دنبال تبیین راهبردهای تربیتی لازم برای زمینه‌سازی تولد آخرتی در فرزندان بوده است. این راهبردها، بی‌توجه به ظرفیت‌های دنیای فرزندان نبوده است و از این رو با در نظر گرفتن ظرفیت‌های جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی فرزندان، این راهبردها مورد بررسی قرار گرفته است. مهمترین راهبردهای تربیت معنوی مذکور عبارتند از امنیت‌دهی، آموزش‌دهی، انضباط‌دهی، احترام‌گذاری، و التزام‌یابی. این پنج راهبرد در قالب دو نقش بسترسازی و شکوفاسازی عمل می‌کنند؛ به این صورت که سه راهبرد امنیت‌دهی، احترام‌گذاری، و التزام‌یابی نقش بسترسازی را بر عهده دارند چرا که این سه راهبرد بستر روانی لازم را برای راهبردهای شکوفاساز معنویت در فرزندان مهیا می‌کنند. اگر امنیت لازم برای جسم و روان فرزندان مهیا نشود، و اگر احترام شایسته برای مناسب‌سازی روابط والد - فرزند شکل نگیرد، و از سویی نیز اگر خود

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

والدین التزام به آموزه‌های معنوی نداشته باشند، بستر روانی لازم برای عملیاتی شدن راهبردهای شکوفاسازی معنویت مهیا نخواهد شد. با فراهم شدن راهبردهای سه گانه مذکور، دو راهبرد آموزش‌دهی و انضباط‌دهی نیز در نقش راهبردهای شکوفاساز معنویت در تربیت معنوی فرزندان وارد میدان تربیت می‌شوند.

به کارگیری این راهبردها در نهایت سبب تولد و به یک معنا شکوفایی یعنی همان جهت‌دهی آورده‌های فرزندان در مسیر رسیدن به «یافته»هایی فکری، قلبی و رفتاری، با صبغه «سلامت معنوی» می‌شود.

Original

Spritual Education of Children from Birth to Twelve Yers Old

Ali Sadeghi Seresht[*1]

Abstract

Background: Spiritual training of children by parents is because of that children's abilities are influenced by their parents' spiritual teaching in order to present them the most important "finding" of their lives, spiritual health in this world and well-being in the other world. In this article, the most important abilities of children and the most important teachings of parents in achieving this target are discussed.

Methods: In this article, the method of conceptual-content analysis was used to describe objectively, realistically and systematically the characteristics of education by using the Holy Quran and Islamic books in order to extract children's developmental psychology on the four developmental capacities at different ages as well as extract parents' spiritual teachings to children.

Results: Study of psychology references of religious development shows that abilities of children in different ages of development from birth to twelve years can be categorized in four section as physical, cognitive, emotional, and social capacities; as well as the study of Islamic references indicates that the spiritual teaching of parents to their children in the mentioned developmental stages can be placed in five strategies of security, education, discipline, respect, and commitment.

Conclusion: Five strategies of spiritual teaching by parents which are appropriate to the physical, cognitive, emotional, and social abilities of children of each developmental age can be presented by spiritual training for children.

Keywords: Commitment, Discipline, Education, Respect, Security

منابع

1. Bayati M, Hashemi Moghaddam SH, Faqihi A. Designing and validating the model of spiritual and moral education of preschool children. Ethical Research (Islamic Education Association) 2017; 29: 28-167. [In Persian]
2. Kiyaani M, Mehrmohammadi M, Saadeghzaadeh Ghamsari A, Nozari M. Critical Review of the Current Approaches to Spiritual Education for Children with an Emphasis on Islamic Teachings. QJOE 2016; 32(2): 9-30. [In Persian]
3. Nolen-Hoeksema S, Fredrickson BL, Loftus GR, Wagenaar WA. Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology", 15th ed. Hampshire UK: Cengage Learning; 2009. P172-P174.
4. Berk L. Development through the lifespan. New York: Pearson Education India; 2014.
5. Hunt H, Hendrix H. Healing love. Tehran: New Generation; 2005.
6. Haghani A, Rahnama A, Sajedi A, etal. Developmental Psychology: An Attitude Towards Islamic Sources. Tehran: Samt; 2011.Vol 2.
7. Killen M, Esmetana J. Ethical Growth: A Handbook. Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture; 2010.
8. Mansour M. Genetic psychology: psychological evolution from birth to old age. Tehran: Samt; 2011. [In Persian]
9. Mansour M, Dadsetan P. Genetic Psychology 2: Transformational Systems: From Psychoanalytic to Behavioral and Objective Systems. Tehran: Roshd; 1995.
10. Nejati H. Developmental Psychology. Tehran: Bikaran; 2009. Vol 4.
11. Bahonar N. Teaching religious concepts in line with developmental psychology. Tehran: International Publishing Company; 2013. [In Persian]
12. Seif S, Kadivar P. Karami Nouri R. Developmental psychology. Tehran: Samt; 1991. [In Perisan]
13. Crane W. Growth Theories (Concepts and Applications). Tehran: Roshd; 2014. [In Persian]
14. Payende A. Nahj al-Fasaha. Tehran: Donyaye Danesh; 2003.
15. Ansari M. Khorramshahi B. Message of the Prophet: A collection of letters, sermons, wills, prayers, allegories and comprehensive speeches of the Prophet Muhammad (PBUH). Tehran: Monfared; 1997.
16. Majlesi MB. Bahar-al-Anvar. Beirut: Alvafa.
17. Sadeghi M, Mazaheri MA, Heydari M. The degree to which parents are religious, the different sources of religious knowledge and the image of God. Journal of Family Research 2006; 2(2). [In Persian]

1. * Corresponding Author: Assistant Professor of Ethics and Psychology group Quran and Hadith Research Institute Qom

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]

18. Reyshahri M. Mizan al-Hikma. Qom: Darolhadith.
19. Ibn Babawiyyah M. The works of Sheikh Saduq. 1980.
20. Schultz D. Personality Theories by Devon Schultz. Translated by Yousef Karimi. Tehran: Arasbaran; 2002. [In Persian]
21. Klini M. Al-Kafi. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya; 1986.
22. Tabarsi, H. Makarem al-Akhlaq. Qom: Sharif Al-Razi; 1991.
23. Tusi M. Tahdhib al-Ahkam. Beirut: Dar Al Ta'rif Publications.
24. Horr Ameli M. Shiite means and proofs. Qom: Congregation of Teachers in the Scientific Field Baqam, Islamic Publishing Foundation; 1994. Vol 8.
25. Nouri H. Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il. Qom: Publications of Al-Bayt Institute (PBUH) Revival of Heritage: 1994.
26. Maliki Ashtari V. Tanbih al-Khawatir wa Nazha al-Nawazir. Qom: Maktabolfaghih.
27. Meshkini A. Writing numerical sermons in which we like the soul and the eyes. Qom: Alhadi.
28. Feyz Kashani M. Al-Wafi. Isfahan: Maktab al-Imam Amir al-Mu'minin al-Am'a; 1986.
29. Ehsani M, Sajedi A. Comparative study of behavioral factors of spiritual upbringing in the family from the perspective of Islam and behaviorism. Journal of Knowledge 2014; 11. [In Perisan]
30. Kirkpatrick L A, Shaver PA. An Attachment Theoretical Approach to Romantic Love and Religious Belief, Personality and Social Psychology Bulletin 1992; 18(3): 266-275.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-25]